

## سخنی در ضرورت سیره پژوهی

۱. تحول پدید آمده در دنیای امروز آن چنان پر سرعت، شدید، فراگیر و عمیق است که همه ابعاد زندگی فردی و اجتماعی آدمیان را در نوردیده، به گونه‌ای که وجوه تشابه اندکی با گذشته خود دارد. آنانی که به طبقه بندی ادوار تاریخی روی دارند، بر این نکته انگشت تأیید و تأکید می‌نهند که انسان امروزی به ویژه در دهه‌های (حدود نیم قرن) اخیر با دگرگونی‌های بسیاری دست و پنجه نرم کرده و تاریخ نوینی را رقم زده است. دیگر عنوان «تاریخ معاصر» برای آن نمی‌تواند طبقه بندی درستی باشد. هر روز که می‌گذرد آثار این تحول چشمگیرتر و بالتبع تفاوت‌های آن مشهودتر و زندگی آدمی بیش از پیش مقهور آن می‌شود. مراد از این تحول، فراتر از تغییر خودخواسته اجتماعی و نیز دگرگونی‌های معطوف به اطلاعات و دانش / تجربه نسل‌های جدیدتر است که خود نیازمند توجه و تأمل است، بلکه مقصود آن تحول، تمدنی است که انسان، دغدغه و نگاه جدیدی را پدید آورده است. البته نویسنده نمی‌خواهد با آنچه الوین تافلر در دو کتاب *شوک آینده* و *موج سوم* خویش بر آن پافشاری دارد، کاملاً انگشت تأیید بگذارد و همه گفته‌های او را درست بپذیرد، اما نمی‌تواند با کلیت مدعای وی همراه نباشد، چنان که متفکران ایرانی نیز بر آن پافشاری داشته و دنیای جدید را متفاوت با همه ادوار تجربه شده بشری می‌شناسند.

دنیای امروز، تابع رهاوردهای مختلف، دنیای متفاوتی شده و شاید بتوان مهمترین مشخصه آن را در فردگرایی، خودبودگی، خودبسندگی یا خود بسنده پنداری انسانی از یک سو و پیدایی رویکرد انتقادی از سوی دیگر دانست که در وجود بسیاری از افراد، به ویژه نسلی که تعلقات تربیتی کمتری به دوره پیشین دارد، ریشه دوانده و او را تا حد بالایی به سوی بی‌نیازی از داده‌ها/ یافته‌های پیشینیان کشانده است و بی آن که لزوماً قصد و غرضی ناسازگارانه با ارزش‌ها و سنت‌های دینی، فرهنگی و اجتماعی داشته باشد، در جدال با گذشته و حتی دیگر

اتکایی برآمده است، با این تصور که خود به سطحی از بلوغ و توانایی رسیده که گلیم خویش از آب بیرون بکشد و زندگی سعادت‌مندی را طراحی کند. ناخواسته در این مسیر با حاملان و حامیان سنت در افتاده و آنها را عقب مانده یا بازمانده از تحول زمانه شناسایی می‌کند.

۲. از دغدغه‌های مهمی که اذهان دینداران و باورمندان را به خود مشغول می‌دارد آن است که سنت‌های باقی مانده از گذشته، به ویژه آن چه از سوی پیامبران و پیشوایان دینی و مذهبی، به عنوان پیام آوران الهی و برای راهنمایی و هدایت بشر آورده شدند و به زعم پیروانشان برای همه زمان‌ها و مکان‌ها معتبرند، در این عهد تحول و تغییر، چه جایگاهی می‌یابند و چگونه می‌توان در کارآمدنمایی آنها عمل کرد. بی‌تردید باور به مانایی و پاسخگویی آورده‌های آنان پایه‌ای‌ترین اصل پذیرفته شده و غیر قابل انکاری بود و است که برای حفظ و پاسداشت آنها هزینه‌های بسیاری صورت گرفته و می‌گیرد و اساسا سخنی جز آن بر زبان آوردن به معنای نفی فلسفه رسالت و دیانت است، پس در تعارض میان آن چه باوری است و آن چه با آن روبرو هستند، باید راه چاره‌ای جستجو کرده و راه‌کاری نشان دهند تا جهان امروز بی‌اعتنای به همه آن چه به دست آمده پرورده نشود.

در این تعارض و کشاکش پیش آمده، دو کار مهم از سوی دین داران و متصدیان آن ضرورت صورت بندی می‌یابد: یکی نشان دادن حقیقت وجودی انسان و نیز ثبات ارزش‌های انسانی در همه ادوار و نیاز انسان‌ها به آنهاست، چنان که مطهری در نوشته‌های خویش (گفتارهای معنوی، اسلام و مقتضیات زمان) به جد در پی آن بود و دو دیگر، عرضه دین با منطق و ادبیات متناسب با نیازهای زمانه است تا مقبول مخاطبان قرار گیرد و نسبت به آنها احساس نیاز کنند. اما همه این‌ها مشروط بر آن است که آن چه عرضه می‌شود، به درستی همانی باشد که پیشوایان والا بدان پرداختند و این مقوله خود مقوله‌ای پر دامنه است و بی‌توجهی به آن خسارت‌های جبران ناپذیری به وجود می‌آورد.

۳. بی‌گمان همه آن چه به عنوان سیره / گفتار و رفتار پیشوایان در اختیار امروزیان قرار دارد، همانی نیست که از سوی آنان صادر شده است، بلکه در گذر زمان دچار آسیب‌هایی شده‌اند. برای عرضه صحیح مذهب شیعه، بایسته‌ترین و فوری‌ترین کار آن است که مسیر رسیدن به پیام‌های حقیقی و آموزه‌های درست پیشوایان مذهبی شیعه به خوبی هموار و از هرگونه ناراستی‌ها پالوده شود، به ویژه آن که در نگره شیعه، اسلام واقعی در سیره و سنت آنان تبلور یافته و بهترین، بلکه تنها تفسیر صحیح اسلام از ناحیه آنان صادر شده است و طبعا گفتارها و رفتارهای آنان / سبک زندگی‌شان، بهترین الگوی زیستی و بالاترین نوع مسلمانی

است و باید کوشید به آن سرچشمه دست یافت، اما واقعیت آن است که آن سیره و سنت تا به دست بعدی ها، به ویژه امروزیان برسد، دچار مشکلات فراوانی شده است تا آن جا که بخش زیادی از میراث باقی مانده با شک و نقدهای جدی مواجه است و راهی نیست جز آن که اهل دانش و درد، در مقام شناسایی آسیب ها و چگونگی پالایش آنها گام بردارند و خود در تصفیه ناراستی ها از راستی ها اقدام نمایند و این البته در پرتو پژوهیدن صحیح و روشمند حاصل شدنی است.

مطالعات سیره پژوهی که به ویژه در جامعه امروز ایران بیش از هر زمانی مورد استقبال پژوهشیان و مراکز علمی قرار گرفته و آثار پرشماری معطوف به آن پدید آمده، بیش از هر زمان دیگری دچار آفات و آسیب های تحقیقی شده است. شاید بتوان مهمترین آنها را در رویکردها، روش ها، پیش فرض ها، انتظارات و از همه مهمتر، پردازندگان به آن دانست. هریک از این مقوله ها نیازمند پردازش دقیق و عمیق است. به همین سبب پژوهشگاه حوزه و دانشگاه با همکاری دیگر مراکز علمی و آموزشی به برگزاری **همایش شناسی مطالعات اهل بیت علیهم السلام** در دوره معاصر اقدام کرد تا در مسیر اصلاح هر چه بیشتر مطالعات سیره ای و کارآمدسازی آن الگویی ارائه کند. نتیجه تلاش آنان، بی گمان ارزنده و پراهمیت است، هر چند نتوانسته باشد به همه اهداف خود دست یابد. دسته ای از مقالات رسیده به همایش، با توافق این فصلنامه و پس از گذر از فرایند پذیرش، مورد قبول واقع شد و در این شماره قرار گرفت. امید می رود آن که راه آغاز شده رهروانی بیابد تا آن چه به عنوان سیره اهل بیت علیهم السلام عرضه می شود، هم درست و علمی، هم با ادبیات و منطق روز و هم متناسب با نیازهای زمانه باشد.

سید علیرضا واسعی

سردبیر